فصلنامه جهان نوین

سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، صص۸۱-۷۱ No 1, ۲۰۱۸, P ۷۱-۸۱

شماره شاپا:(۳۴۷۹ – ۲۶۴۵) (ISNN) : 2645 - 3479

اهمیت مدیریت خانواده دراسلام

آرزو خرم منش[۱]

چکیده

مدیریت خانواده، با همه محدودیت و کوچکی، ابعاد گوناگونی دارد؛ همانند ابعاد بسیار مهم اخلاقی، تربیتی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و بهداشتی. این ابعاد در روابط حاکم بر زن و شوهر و سایر اعضای خانواده وجود دارد و تدبیر امور خانواده در این جنبه ها، ظرافتها و دشواریهای خاصی دارد و این مسئله نیز تأکیدی است بر ضرورت و اهمیت مدیریت اصولی و درست در خانواده.تدبّر در معیارهایی که اسلام در گزینش همسر بیان کرده است و نیز اوصافی که برای زنان و مردان شایسته برشمرده است، ما را به ضرورت و اهمیت مدیریتی شایسته در عرصه خانواده رهنمون می سازد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی سامان یافته در پی تبیین این مساله از نگاه دینی است.و به منظور جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای استفاده شده است. از این رو در پژوهش حاضر به بررسی اهمیت مدیریت در خانواده از دیدگاه اسلام می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: مدیریت، اسلام ومدیریت، خانواده، مدیریت خانواده، خانواده اسلامی

۱ .کارشناس آموزش دینی وعربی Saheljan۳۹@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

امروزه در جهانی زندگی می کنیم که از آن با عناوین مختلفی همچون عصر تکنولوژی و اطلاعات یاد می کنند و این امر، پیچیدگی و گستره ی خیره کننده و گیج کننده آن را به ما گوشزد می کند. رشد و شتاب روزافزون روابط و مناسبات انسانی و اشتغالات و گرفتاری هایی که لحظه به لحظه برای انسان این دوران پدید می آید، او را نسبت به مسائل خود حیران و سرگردان و غافل کرده است. آدمیان برای مقابله با چنین اوضاعی و جهت کنترل و اداره سازمان های عریض و طویل و مراکز صنعتی و سیستم های پیچیده آنها دائماً در حال نظریه پردازی و اندیشه ورزی هستند. آنان با استفاده از شاخه های گوناگون علوم و معارف سعی در «مدیریت» چنین اوضاعی دارند(رضائیان،۱۳۹۲:۵۴).

از آن جا که خانواده مهم ترین نهاد تاثیرگذار در رشد و شکوفایی افراد جامعه می باشد، توجه به این نهاد و بررسی راه کارهای مدیریتی آن در مطالعات اجتماعی اولویت دارد. ازدواج و تشکیل خانواده نیز به عنوان ضرورتی زیستی، روانی و اجتماعی، ابزار مناسبی برای زندگی آرام محسوب می شود. امروزه با وجود مشکلات فراوانی که خانواده ها بدان دچار هستند، سوالاتی از این قبیل که فرهنگ غنی اسلامی در خصوص مساله مدیریت خانواده چه راه کارهایی ارائه می دهد و چگونه می توان این راه کارها را در زندگی پرهیاهوی بشر امروزی به کار بست و این که اصول و روش های مدیریت خانواده از دیدگاه اسلام چیست، مطرح است(پرچم وهمکاران،۱۳۹۳:۱۳).

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون به عنون اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است(عذرا طباطبایی،۱۳۹۲:۱۵۵).

اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد. نیک‌بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بنا وابسته می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دست‌یابی به آرامش برمی‌شمارد(همان).

مدیریت و رهبری یک ضرورت اجتماعی است. مجموعه های انسانی بدون مدیریت، سامان نمی گیرد و بی نظمی و هرج و مرج شیرازه آن را فرو می پاشد. خانواده هم که سلول اولیه پیکره اجتماع است، بدون مدیریت اصولی و صحیح سامان نخواهد یافت. ضرورت و اهمیت این مسئله آنچنان آشکار است که رسول خدا (ص) در هر اجتماع دو سه نفری بر مدیریت یک نفر تأکید می ورزد و می فرماید:اذا کنْتُمْ ثَلاثَةً فی سَفَرٍ فَامِّرُوا احَدَکمْ[۲].از این رو در پژوهش حاضر به بررسی اهمیت مدیریت در خانواده از دیدگاه اسلام می‌پردازیم.

ادبیات پژوهش

خانواده یکی از نظام های اولیة جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده است و در همة جوامع اهمیت اساسی دارد. با این وجود در عصر حاضر این نظام ارزشمند دچار چالش های اساسی وقوع تغییرات ارزشی و » . شده و گاهی تمامیت آن نیز زیر سؤال رفته است.پیدایش نهادهای بدیل خانواده که در قالب پدیده هایی همچون افزایش طلاق و رشد الگوهای جدید روابط جنسی، مانند ازدواج اشتراکی و ازدو اج آزاد تجلی یافته، این پرسش را برای محققان مطرح ساخته است که آیا نهاد خانواده در حال زوال است یا همچنان به حیات خود ادامه می دهد.(بستان، ۱۴۴:۱۳۸۸).

[۲] . هرگاه سه نفری مسافرت کنید، یکی را مدیر قرار دهید.

گروهی که نگاه خوشبینانه دارند معتقدند وقوع تغییرات در خانواده به این معنی نیست که خانواده اهمیت گذشته خود را از دست داده یا در حال سقوط است، بلکه خانواده در حال جرح و تعدیل خود و سازگاری با جامعه در حال تغییری است که خود جزئی از آن است(پرچم وهمکاران،۱۶:۱۳۹۳).

نقش مرد در مدیریت خانواده

در اسلام، سرپرستی و مدیریت خانواده به دو جهت به مرد واگذار شده است؛ اول:

خصوصیاتی در مرد است که در زنان نیست؛ مانند ترجیح قدرت تفکر بر نیروی عاطفه و احساسات و همچنین داشتن نیروی جسمی بیش تر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده خود دفاع نماید . دوّم: تعهّد مرد برای پرداختن هزینه های زندگی، مهریه همسر و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزند، در حالی که زنان از نظر اسلام تعهّدی در این زمینه ندارند(نهج البلاغه،خطبه۴۰).

قرآن کریم می فرماید:

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ)[۳] . ..(.نساء: ۳۴)

قوّام بودن به معنای مدیریت بر مبنای حکمت و مصلحت است برای تدبیر بهتر خانواده و تکلیفی است که بر دوش مرد نهاده شده است تا زن و فرزندان خود را در حمایت و حفاظت خود به شکلی شایسته سرپرستی کند و منشأ خدمات بسیار بزرگی به اجتماع انسانی گردد.

این قوامیت هرگز به معنای فضیلت معنوی مرد نسبت به زن و قرب بیش تر او به درگاه خداوند نیست.

درماده۱۱۰۵ قانون مدنی- براساس آیه یاد شده-می‌خوانیم:«درروابط زوجین ریاست خانواده ازخصایص شوهر است».

[۳] . مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند.

در توجیه این قاعده گفته اند:

هر اجتماعی را باید رئیسی باشد که کارها را هماهنگ کند و در صورت بروز اختلاف، نظر او قاطع باشد. خانواده نیز از این قانون مستثنی نمی تواند بود .اصولًا زن و شوهر باید با صفا و صمیمیت و توافق یکدیگر امور خانواده را اداره کنند. لیکن اگر درباره مسائل خانواده بین آنان اختلاف نظر و سلیقه پدید آید، نظر مرد به عنوان رئیس خانواده مقدم خواهد بود و زن باید نظر او را بپذیرد(صفایی وامامی،۱۳۹۵:۱۲۰).

بدیهی است که مدیریت مرد در خانواده به معنای حاکمیت مطلق او نیست. از این رو، مرد باید توجه کند که مدیریت او به خودکامگی، خودمحوری و جبّاریت منجر نشود. مرد، حق تحکم و استبداد ندارد و نباید نظر و اندیشه خویش را بر اعضای خانواده تحمیل کند و خواست و نظر آنان را به هیچ انگارد.

مرد باید مدیریت خویش را بر رفتار انسانی بنا کند و روش رسول خدا (ص) را در پیش گیرد تا نقش خود را در تدبیر خانواده به شکلی شایسته ایفا کند. آن حضرت، در خانواده رفتاری انسانی داشت و مهربان ترین مردم به خانواده خویش بود و همین شیوه مدیریتی را از پیروانش می پسندد. از این رو، می فرماید:

اقْرَبُکمْ مِنّی مَجْلِساً یوْمَ الْقِیامَةِ، احْسَنُکمْ خُلْقاً وَ خَیرُکمْ لِاهْلِهِ[۴]

نیز می فرماید:

احْسَنُ النَّاسِ ایماناً... الْطَفُهُمْ بِاهْلِهِ وَ انَا الْطَفُکمْ بِاهْلی[۵]

در حدیثی دیگر سفارش می کند:

[۴] . نزدیک ترین شما به من در قیامت کسانی اند که اخلاقشان نیکوتر است و با اعضای خانواده بهتر [و انسانی تر] رفتار کنند.

[۵] . بهترین مردم در ایمان و تدین، کسانی هستند که با خانواده خود مهربان ترند و من از همه شما به خانواده ام مهربان ترم.

با همسران خود مهربان باشید و دلهاشان را شاد کنید تا با شما زندگی کنند. آنان را به کاری مجبور نسازید، خشم آنها را در نیاورید و آنچه را به آنها دادید باز پس نگیرید مگر با رضایت و اجازه آنان (طباطبایی،۱۴۱۷:۱۲۹).

نقش زن در مدیریت خانواده

شوهرداری، خانه داری و مادری سه وظیفه اصلی زن در خانواده است. اگرچه اسلام مدیریت خانواده را بر مرد واگذار کرده است، ولی نباید نقش مدیریتی زن را در ایفای وظایف یاد شده نادیده گرفت.

آنچه یک زن نمونه را در ایفای وظایف خود در خانه و خانواده موفق می کند، به کارگیری اصول و شیوه های مدیریت اسلامی در شوهرداری، خانه داری و تربیت فرزند است.از این رو، موفقیت مرد در مدیریت خانواده نیز تا حد زیادی به معاونت و همکاری زن وابسته است(یوسفیان،۱۳۹۰:۱۷).

بنابراین می توان گفت که هر کدام از مرد و زن در حوزه خانواده بهره ای از مدیریت دارند؛ مرد، قوّام و سرپرست خانواده است و موظف است برای اداره زندگی طرح و برنامه بریزد، زن و فرزندان را از نظر مالی، فکری و بدنی حمایت و حفاظت کند و هزینه زندگی آنان را تأمین نماید. زن نیز در این مسئولیت، معاون و همکار مرد است. علاوه اینکه خود در حوزه داخلی منزل، سه وظیفه اصلی دارد که مدیریت کردن، لازمه آن است. از این رو، نقش زن در مدیریت خانه و خانواده اگر بیش تر از مرد نباشد کم تر نیست(همان).

مشارکت زن و مرد در مدیریت خانواده

زن و مرد در خانواده یک واحد را تشکیل می دهند و یک روحند در دو بدن:

من کیم لیلی و لیلی کیست من ما یکی روحیم اندر دو بدن

از این رو، وظایف آنان در خانواده اشتراک آنان در مدیریت را اقتضا می کند. به همین سبب است که اسلام هر دو را در حوزه خانواده مسئول می شمارد .رسول خدا (ص) می فرماید:

...وَالرَّجُلُ راعٍ عَلی اهْلِ بَیتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَالْمَرْأَةُ راعِیةٌ عَلی بَیتِ بَعْلِها وَ وُلْدِهِ وَ هِی مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ[۶]

برخی از جهاتی که زن و شوهر می توانند با یکدیگر مشارکت نمایند وزندگی مشترک خود را سامان بخشند، عبارتند از:

- هدف گذاری و برنامه ریزی برای زندگی آینده خود؛

-تصمیم گیریها؛ از قبیل مشورت و تصمیم گیری در چگونگی اداره زندگی، هزینه کردن و غیر آنها؛

- کمک و همکاری؛ زن و شوهر در این جهت می توانند بهترین نقش را در زندگی و پیشرفت یکدیگر ایفا کنند. زن، به شوهر خود کمک می کند تا مسئولیتهای اجتماعی اش را بهتر انجام دهد و مرد نیز، در امور خانه داری یا پیشرفت علمی به همسرش مدد می رساند تا احساس دلگرمی بیش تری کند و بهتر بتواند به وظایفش عمل کند و از طرفی به امور معنوی خود نیز برسد؛

- عبور از مشکلات و دشواریهای زندگی؛ برای مثال زن با درک موقعیت شوهرش، سختیهای زندگی مشترک را تحمل می کند، به شوهرش مشورت فکری می دهد، از او دلجویی می کند، سختیهای زندگی را با درایت خود برایش آسان و ناچیز جلوه می دهد و از جهات روحی تقویتش می کند تا بتواند با سختیهای زندگی مبارزه کند و با نشاط و دلگرمی و با توکل به خدا به زندگی مشترک خود ادامه دهند؛

- بچه داری و تربیت فرزند. اگرچه زن از نظر شرعی و قانونی وظیفه ای در این باره ندارد؛ چنان که موظف به امور خانه داری هم نیست؛ ولی زنان مسلمان و مکتبی این مسئله را وظیفه اخلاقی خود می دانند. برای اینکه زن در انجام

[۶]. مرد، سرپرست و نگهبان اعضای خانواده خویش و در برابر آنان مسئول است و زن، سرپرست و نگهبان خانه شوهر و فرزندان است و درباره آنها بازخواست می شود.

بهتر این وظیفه توفیق بیش تر می یابد مشارکت شایسته مرد را می طلبد، تا نسلی صالح تربیت کنند و به جامعه تحویل دهند(صادق زادگان،۱۳۸۹:۸۹).

وقتی که زن و مرد در جنسیت مساوی هستند، پس در تکالیف ایمان و عمل صالح مساویند، تا نفس خود را پاک نگه دارند و به درجه کمال که خداوند برای مؤمنان درستکار فراهم ساخته، برسند و به واسطه عقل و اختیار قدرت ترقی حیات پیدا کنند(سابق،۱۳۸۹:۲۱۶).

حضرت ﷺ به خاطر استوارکردن این دستور فرمود:

«إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ»[۷].

چون زنان همگام و همراه مردانند و در خلقت انسانی مثل هم می‌باشند، پس دارای حقوق مشخصی مانند حقوق مردان می‌باشند از جمله: حق تملک، حق ارث، حریّت، آزادگی، تصرف در اموال، خرید و فروش و بخشش، و حق اختیار همسر، نه به طریق اکراه و زور، یا آنکه اکراه‌کننده پدرش باشد(همان).

راه کارهای مدیریت خانواده در اسلام

مدیریت خانواده یعنی علم و هنر هماهنگی کوشش ها و مساعی اعضای خانواده و استفاده از منابع برای نیل به اهداف معین. همچنین، همان طور که در مقدمه اشاره داشتیم، فرایند مدیریت، در تمام اقسام وانواع آن، دارای اجزایی است که با توجه به تعابیر گوناگون صاحب نظران می توان برخی از مهم ترین آنها را این گونه برشمرد: برنامه ریزی، سازمان دهی، نظارت و کنترل، انگیزش، ارتباطات، هدایت و تصمیم گیری. در بررسی مدیریت خانواده نیز باید تا حدّ ممکن به این اجزاء توجه داشت..

[۷]- روایت احمد و ابوداود از عایشه رضی الله عنها. زنان شقایق مردان هستند

دوراندیشی و پیش گیری

اگرچه مدیریت خانواده سخن از نحوه یعملکرد افراد در بطن خانواده ای شکل گرفته دارد، اما، حزم و دور اندیشی، آینده نگری و پیش گیری از مهم ترین اصول مدیریتی به شمار می آیند که مدیران در هدف گذاریها و برنامه ریزی های خود قبل از هر اقدامی باید به آنها توجه داشته باشند. در این باره روایات بسیاری در فرهنگ اسلامی یافت می شود. به عنوان نمونه، حضرت عبدالعظیم الحسنی از امام جواد (ع) روایت می کند که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «اگر قبل از شروع هر کاری در آن دقت کنی از پشیمانی ایمن خواهی شد» (کلینی ۱۴۱۱: ۲۵۹).

همچنین، ابن صدقه از امام صادق (ع) و او از پدرانش (ع) روایت می کند که مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله مرا وصیت کنید، رسول خدا (ص) فرمودند اگر شما را وصیت کنم به سخنان من گوش خواهید داد؟ رسول خدا (ص) این سخن را سه بار تکرار کردند و او هم پاسخ مساعد داد. پیامبر (ص) فرمود: «وصیت من به شما آن است که هرگاه خواستید کاری انجام دهید درپایان آن مطالعه و دقت کنید اگر عاقبت بود انجام بدهید، و اگر بد بود ترکش کنید»(همان).

از این رو، یکی از مهم ترین راه کارهای مدیریت خانواده دوراندیشی و پیش گیری می باشد. تأمل و مطالعه در نحوه ی تشکیل خانواده و رأی زنی و مشورت در این خصوص امری مهم به شمار می آید. علاوه بر این، فراهم آوردن شرایط و زمینه های مساعد برای دست یابی به خانواده ای که از معیارهای حداقلی برخوردار باشد، از همین اقدامات است. به طور خلاصه می توان این گونه اقدامات را به صورت زیر دسته بندی کرد:

خودشناسی و خودسازی براساس دستورات و موازین اسلامی؛

اصلاح و بهبود روابط اجتماعی و تلاش در جهت شناخت انسان های دیگر؛

تحقیق و بررسی درباره ی عوامل موفقیت و شکست روابط خانوادگی؛

آشنایی با معیارهای اصیل انتخاب همسر و تشکیل خانواده؛

تأمین حداقلی زمینه ها و شرایط اقتصادی تشکیل خانواده(محمدی چابکی،۱۵:۱۳۸۹).

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی سامان یافته در پی تبیین این مساله از نگاه دینی است.و به منظور جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای استفاده شده است.

نتیجه گیری

«مدیریت خانواده» یعنی علم و هنر هماهنگی کوشش ها و مساعی اعضای خانواده و استفاده از منابع برای نیل به اهداف معین. اگر خانواده مهم ترین نهاد تأثیر گذار دررشد،تعادل و شکوفایی افراد جامعه باشد،توجه به این نهاد و بررسی راهکارهای مدیریت این نهاد می تواند اولویت اصلی اندیشه های بشر باشد. از سوی دیگر،فرهنگ غنی اسلامی مملو از آیات و روایاتی است که می توانند راهنمای بسیارخوبی برای ما در این خصوص باشد چنان که رعایت دستورات و توصیه های موجود در آن می تواند نوید بخش خانواده ای سالم و متعالی و انسان هایی رشد یافته و مؤمن باشد که شکوفایی و اعتلای جامعه اسلامی را تضمین می کنند.

دین مبین اسلام به عنوان یک دین کامل و جامع در خود از دستورات و فرامین مهم الهی بر خورد دار می باشد ک به یقین با به کار بستن این فرامین و دستورات می شود به بهترین مدیریت جامع و کامل در عرصه مدیریت دست پیدا کرد.از این رو با توجه به نقش خانواده در اسلام توجه به مدیریت صحیح آن نیز بسیار مورد توجه قرارگرفته است ودارای اهمیت است.

منابع

۱-بستان(نجفی)، حسن،شرف الدین، سید حسین، بختیاری، محمد عزیز(۱۳۸۸) ، *اسلام و جامعه شناسی خانواده* ، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲-پرچم، اعظم؛ فاتحی زاده، مریم؛ بارباز اصفهانی، نجمه(۱۳۹۳) اصول مدیریت خانواده در اسلام،پژوهش های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۰۰ علمی-ترویجی(حوزه علمیه)،صص ۳- ۲۶.

۳-سابق،سید(۱۳۸۹)اسلام ما(نگاهی نو به مبانی اعتقادی، عبادی و اخلاقی اسلام)،ترجمه سید جعفر حسینی،چاپ دوم، نشر احسان ، تهران.

۴-رضائیان ، علی(۱۳۹۲) اصول مدیریت، تهران ، انتشارات سمت .

۵-صادق زادگان،هادی(۱۳۸۹)گفتمان آیات عصری، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان.

۶-صفایی، سید حسن،امامی، اسدالله(۱۳۹۵) مختصر حقوق خانواده،نشر میزان، چاپ چهل وهشتم،تهران.

۷-طباطبایی، مصطفی(۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن ، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعة مدرسین حوزة علمیه قم.

۸-عذرا طباطبایی حکیم(۱۳۹۲)خانواده از منظر قرآن، دانشنامه موضوعی قرآن با اندکی تلخیص، تاریخ بازیابی: چهارم شهریورماه.

۹-محمدی چابکی، رضا(۱۳۸۹) مدیریت خانواده دراسلام،راسخون، مقاله ۱۶۵۵۲۴، هشتم آذرماه.

۱۰-یوسفیان، نعمت الله؛ مدیریت در خانه و خانواده، ص: ۱۷سال۱۳۹۰.